

Civil liability in the case of inconclusive recognition of cause detriment comparative study in Iranian and England law

Sepideh Ranjbar
Sayed Hossein Safaei
Mansour Amini
Hassan Badini

Abstract

It is necessary to establish a relationship on three pillars of civic responsibility. Due to the loss must have detailed knowledge, but if porany reason this detailed knowledge is not responsible for the determination becomes difficul. Rights in Iran since the provisions of the responsibility of civil material bearing on this is not due to the incorporation of legal contexts, examples and scenarios responsible for civil assumed due to take place in the penal code had converted to Islamic therefore, the assignment of responsibility to case basis and subject to a rigid system and there is not one. In contrat, in the british rights in any period of a kind of hypothesis responsible for identifying assumption in science, glancing due to the detriment of responsibility three is an alternative to the accuracy of the theory, market share, all or nothing theory. The subject of this paper is thaken from the civil liability in which we know only a little about the vague cause of loss and it is important for us to determine the cause. Contents are collected by taking notes from library resource and finally and a solution based on the equation theory is proposed.

Keywords: civil responsibility, brief information, relation about causality compensation.



مسئولیت مدنی در فرض اجمال سبب: مطالعه تطبیقی در نظام حقوقی ایران و انگلیس^۱

سپیده رنجبر^۲

سید حسین صفایی^۳

منصور امینی^۴

حسن بادینی^۵

چکیده

برای ایجاد مسئولیت مدنی وجود سه رکن لازم و ضروری است. ۱. فعل زیانبار. ۲. ورود زیان. ۳. رابطه سببیت. افزون بر همه این‌ها باید علم تفصیلی به سبب ضرر وجود داشته باشد، لیکن بنا به هر دلیلی اگر این علم تفصیلی وجود نداشت و به تعبیری دیگر در سبب مجمل، تعیین شخص مسئول دشوار می‌گردد. حقوق مسئولیت مدنی ایران در این باره صریح نبوده و مسأله را مسکوت باقی گذاشته است. با توجه به اختلاط حوزه‌های مسئولیت مدنی و مسئولیت کیفری در حقوق کشور ایران، مصادیق و حالات مسئولیت مدنی در فرض علم اجمالی در قانون مجازات اسلامی آورده شده است و مبانی انتساب مسئولیت به صورت موردی بوده و عمدتاً فاقد یک نظام جامع و منسجم در این خصوص است. در حقوق کشور انگلیس در هر دوره یک نوع فرضیه برای شناسایی شخص مسئول در فرض علم اجمالی به سبب ضرر مطرح شده است؛ گاه از مسئولیت جایگزینی صحبت به میان آمده است؛ گاه از نظریه سهم بازار سخن به میان آمده و گاه از نظریه یا همه یا هیچ استفاده کرده‌اند. موضوع این مقاله برگرفته از پرونده‌های مسئولیت مدنی است که در آنها در خصوص سبب ضرر، علم اجمالی داریم و تعیین سبب برای ما اهمیت دارد. مطالب با روش فیش برداری کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده است و در نهایت براساس نظریه تساوی یک راهکار پیشنهاد می‌شود.

واژگان کلیدی: مسئولیت مدنی، علم اجمالی، رابطه سببیت، جبران خسارت.

۱- تاریخ دریافت مقاله ۱۳۹۹/۰۶/۱۸، تاریخ پذیرش مقاله ۱۳۹۹/۱۲/۱۹

۲- دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۳- استاد گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران؛ نویسنده مسئول

hsafaii@ut.ac.ir

۴- دانشیار گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

۵- دانشیار گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

درآمد

واژه «مسئولیت مدنی» در جایی به کار می‌رود که در آن، شخصی به سبب قانون شکنی و یا نقض تعهد قراردادی موجب ایراد خسارت به دیگری گردد. به بیان دیگر مسئولیت مدنی به معنای ضمانت اجرای نقض قانون یا قرارداد است که برعهده فاعل زیان قرار می‌گیرد. مسئولیت مدنی به معنای خاص نیز بدان معناست که شخصی در برابر دیگری بدون آن که قراردادی میان آن‌ها وجود داشته باشد مسئول شناخته شود. پیشرفت فناوری و صنعتی شدن زندگی انسان‌ها و به تبع آن تنوع در روابط اجتماعی نیز موجب اهمیت هرچه بیشتر این نوع مسئولیت گردیده است. در قانون مدنی ایران، در عنوان‌های باب اول و دوم، که در ارتباط با عقود و معاملات و الزامات خارج از قرارداد است، کلمه مسئولیت به چشم نمی‌خورد،^۱ اما در مواردی از قانون مدنی^۲ و قوانین مختلف^۳ به کار رفته و در ادبیات حقوقی ایران به عنوان اصطلاحی عام برای مسئولیت اخلاقی و مسئولیت‌های حقوقی تثبیت شده است. (کاتوزیان، ۱۳۹۲: ۴۵؛ حسینعلی، ۱۳۷۷: ۲۸-۲۴)

در حقوق انگلستان وقتی که به طور مطلق از مسئولیت، اعم از مسئولیت اخلاقی و حقوقی بحث می‌شود، معمولاً کلمه Responsibility را به کار می‌برند اما وقتی که از مسئولیت‌های حقوقی به طور عام یا یکی از اقسام مسئولیت‌های حقوقی صحبت شود بیشتر واژه Liability به کار برده می‌شود. کلمه مذکور از اصطلاح لاتین Habilis گرفته شده و در زبان لاتین معنی حقوقی نداشته و در معانی مناسب، فعال، سودمند، تأیید شده، با ثبات و ... استعمال شده است.^۴ سابقاً، در حقوقی انگلیس، مسئولیت مدنی به شاخه‌های متعددی از جمله تقصیر،

۱- البته در ماده ۳۱۵ قانون مدنی واژه «مسئول» آمده؛ امیری قائم مقامی، عبدالمجید، کلیات حقوق تعهدات - وقایع حقوقی، جلد اول، تهران: نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۷۸، ص ۱۶۶، یادداشت شماره ۱.

۲- از جمله ماده ۳۳۵ و عنوان فصل سوم کتاب دهم جلد دوم قانون مدنی که در ارتباط با اختیارات و وظایف و مسئولیت قیم است؛ همچنین در مواد ۱۲۲۸، ۱۲۱۵، ۱۲۱۳، ۶۶۶، ۳۳۴، ۳۳۳، ۳۳۲، ۳۱۵ و ۱۲۳۹ واژه مسئولیت استعمال شده است.

۳- از جمله قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ و فصل سوم قانون امور حسبی مصوب دوم تیرماه ۱۳۱۹.

۴- در خصوص تحلیلی متفاوت از ریشه واژه یاد شده ر.ک:

Bar, Christian Von.; The Common European Law of Torts, Volume one, Clarendon Press, Oxford, First Published 1998, p.6, n5.

مزاحمت، توهین و افترا، تجاوز به مال یا شخص، ضرب و جرح و... تقسیم می‌شد. اما حقوق دانان جدید با توجه به گسترش حوزه تقصیر، تقصیر، اصل تلقی کرده‌اند و دیگر شاخه‌ها را فرعی می‌دانند. (Harpwood.v.2009)

در مسئولیت مدنی به معنای خاص زیان دیده باید سه امر را اثبات کند تا موفق به دریافت خسارت گردد: زیان، فعل زیان بار و رابطه سببیت بین فعل زیانبار و خسارت به بار آمده. اما اثبات این امور در بسیاری موارد، آسان نیست و ممکن است زیان دیده را با دشواری مواجه سازد. از جمله این موارد اثبات رابطه سببیت در مواقعی است که علم اجمالی به سبب وجود دارد. در واقع گاه، ورود ضرر و فعل زیانبار محرز است، لکن نمی‌توان سبب را تعیین نمود. به عنوان مثال کارگری در زمان‌های متفاوت در کارخانه‌هایی مشغول به کار بوده که به اقتضای کار خود با مواد سرطان‌زا تماس داشته است و پس از مدتی مبتلا به سرطان می‌شود بی آن که معلوم باشد، در اثر کار در کدام کارخانه به این بیماری مبتلا شده است. یا گروهی در جریان یک نزاع، اتومبیلی را به منفجر می‌کنند لکن سبب ضرر و تلف، مجهول و نامعلوم است. در این موارد عدالت اقتضا می‌کند که خسارت وارده به نحوی جبران شود.

با این توضیح آشکار می‌گردد که در این نوشتار پس از بررسی کیفیت اثبات رابطه سببیت در موارد اجمال سبب، به این پرسش اصلی می‌پردازیم که شیوه جبران خسارت یا به عبارت دیگر توزیع مسئولیت میان اسباب، چگونه است. تعدد موارد اجمال سبب بررسی این موضوع را ضروری می‌سازد. ضمن آن که با پیشرفت‌های صنعتی و گسترش بازارهای مالی و دخالت تولیدکنندگان متعدد در ارایه یک محصول به بازار، موارد اجمال سبب رو به فزونی است و عملاً در بسیاری موارد، تعیین سبب ورود خسارت از میان اشخاص متعدد، امکان پذیر نمی‌باشد.

برای بررسی این موضوع، نخست به بررسی موضوع اجمال در سبب و امکان مسئولیت مدنی و سپس به بیان نحوه توزیع مسئولیت میان اشخاصی که علم اجمالی به سببیت ایشان داریم، می‌پردازیم.

۱. اجمال در سبب و امکان مسئولیت مدنی

۱-۱. مفهوم علم اجمالی

علم اجمالی عبارت است از همراه شدن جهل با علم یا همراه شدن نسبت مجهول با نسبت معلوم؛ باید توجه نمود که نسبت دادن اجمال به علم، به دلیل ماهیت و نفس علم نیست بلکه این اجمال ناظر به متعلق علم است. بنابراین می‌توان گفت که علم اجمالی، علمی است که نسبت به یک شیئی از میان چند شیئی وجود دارد، بر خلاف علم تفصیلی. (المشکینی، ۱۳۷۱: ۲۲۴)

برخی علم اجمالی را همان قطع یا یقین اجمالی معرفی می‌کند همانند این که اجمالاً به واجب بودن نماز ظهر یا جمعه، علم داشته باشیم و همان گونه که قطع تفصیلی حجت است، قطع اجمالی نیز حجت می‌باشد. (الصدر، ۱۴۲۳ق: ۱۱۱)

وقتی علم اجمالی نسبت به تکلیف شرعی ایجاد می‌شود، در خصوص نحوه امتثال مکلف چند احتمال وجود دارد. نخست این که وی ممکن است همه اطراف علم اجمالی را رعایت کند و برای نمونه در مثال ذکر شده، هم نماز ظهر را به جا آورد و هم جمعه، که در این صورت گفته می‌شود، موافقت قطعی با علم اجمالی حاصل شده است؛ دوم این که ممکن است هیچ یک از اطراف علم اجمالی را رعایت ننماید که در این صورت مخالف یقینی پدید می‌آید. مثلاً نه نماز ظهر بگذارد و نه نماز جمعه؛ سومین احتمال به جا آوردن یک یا بعضی از اطراف و ترک بعضی دیگر می‌باشد که به آن موافقت و مخالفت احتمالی گفته می‌شود. (المشکینی، ۱۳۷۱: ۲۲۴)

علم اجمالی، مقابل علم تفصیلی و به معنای علمی است که با نوعی تردید و ابهام نسبت به متعلق خود همراه است. به بیان دیگر، علم اجمالی، علمی است که میان دو یا چند چیز مردد است. مثل علم به این که «الف» یا «ب» قاتل است. اما در علم تفصیلی متعلق علم و یقین کاملاً مشخص و معین است و هیچ تردیدی نسبت به آن وجود ندارد. مانند علم به این که «الف» قاتل است. دانشمندان علم اصول تقریباً اتفاق نظر دارند که جنس علم در علم اجمالی و علم تفصیلی یکسان است و تفاوت آن دو به معلوم یا همان متعلق علم، باز می‌گردد.

۲-۱. مفهوم سبب مجمل

برای تحقق مسئولیت مدنی تنها وجود خسارت و تقصیر یا فعل زیانبار کافی نیست، بلکه باید رابطه‌ی سببیت یا علیت بین خسارت وارده و فعل زیانبار وجود داشته باشد. عدالت و منطقی حکم می‌کند که هیچ کس مسئول زبانی که ناشی از تقصیر یا فعل زیانبار او نیست نباشد. پس وجود رابطه سببیت حلقه‌ای است که فعل زیان بار و زیان را به یکدیگر متصل و مرتبط می‌سازد. به همین علت، جز در موارد استثنایی، احراز رابطه سببیت ضروری خواهد بود. نویسندگان حقوقی کامن لا نیز به صراحت رابطه سببیت را یکی از شرایط اقدام زیان دیده بر مسئولیت مدنی عامل زیان دانسته‌اند. (Mills, William, 2002: p.29; Libby, Michael, 2007, p4)

اما همیشه سبب و رابطه سببیت مشخص و آشکار نیست. گاه دو یا چند شخص در فعالیتی مشارکت دارند و از فعل یکی از آنان زبانی به بار می‌آید، بی آن که عامل زیان مشخص باشد. در این گونه موارد از سبب مجمل سخن به میان می‌آید؛ زیرا علم اجمالی وجود دارد که یکی از اشخاص موردنظر وارد کننده زیان بوده، ولی هویت او دقیقاً مشخص نیست. در واقع، در مواردی یکی از چند نفر معلوم و مشخص زبانی وارد می‌آورند ولی شخصی که ضرر از سوی او وارد شده شناخته نمی‌شود، سبب مجمل است. (صفایی، ۱۳۸۸:۳۰)

بنابراین اجمال در سبب به این معناست که اقدامات یکی از چند شخصی که مرتکب فعل زیانبار شده‌اند، سبب بروز خسارت بوده است و نه اقدامات همه ایشان، ولی علم تفصیلی وجود ندارد که ضرر وارده به کدام یک قابل استناد است. با این توضیح، تفاوت میان اجمال سبب و تعدد اسباب آشکار می‌گردد؛ در تعدد اسباب همه عوامل در بروز خسارت مشارکت داشته‌اند و ضرر وارده منتسب به همه عوامل است ولی در اجمال سبب تنها یکی از چند عامل علت ورود زیان می‌باشد.

۳-۱. بررسی مسئولیت مدنی در فرض اجمال سبب

آیا در صورت علم اجمالی به سبب، می‌توان بر مبنای اصول و قواعد حقوقی یکی یا همه اطراف علم اجمالی را دارای مسئولیت مدنی دانست؟ از

فوق مشخص می شود، آن چه موجب اجمال سبب می شود، ابهام در رابطه سببیت است. آیا با وجود یقینی نبودن رابطه سببیت می توان، حکم به مسئولیت مدنی اطراف علم اجمالی داد؟

اثبات هر ادعایی بر عهده مدعی می باشد. ماده ۱۹۷ قانون آیین دادرسی مدنی با عنایت به قاعده فقهی البینه علی المدعی و الیمن علی من انکر اصل برائت را در امور حقوقی پذیرفته است. به این معنی که «اگر کسی مدعی حق یا دینی بردیگری باشد باید آن را اثبات کند، در غیر این صورت با سوگند خوانده حکم به برائت صادر خواهد شد». بنابراین در دعوی مسئولیت مدنی نیز خواهان باید وجود رابطه سببیت میان زیان متحمل شده و فعل زیان بار خوانده را اثبات نماید. در حقوق انگلیس نیز همین اصل جریان دارد. در پرونده (Sienkiewicz v Greif (UK) Ltd. [2011] UKSC 10 (Sienkiewicz)) این حکم صادر گردید: این یک اصل اساسی در حقوق مسئولیت مدنی است که خواهان باید ثابت کند که عمل خوانده سبب ورود خسارت به وی شده است تا بتواند در دعوی خود موفق شود.

عبارت معروفی در حقوق لاتینی وجود دارد که در مورد تعیین رابطه سببیت، به کار می رود: «هر عاملی که اگر نبود زیان واقع نمی شد، سبب تلقی می شود» (Cooke, John, 2010: p.39). بر همین اساس در حقوق انگلیس قاعده ای برای تشخیص رابطه سببیت ارائه شده است که می توان آن را به قاعده «اگر نبود»^۱ ترجمه کرد. دادگاه ها برای تعیین سبب نزدیک، در مسئولیت مدنی ناشی از بی احتیاطی یا سایر موارد مسئولیت مدنی، این قاعده را ابداع کرده اند. این قاعده بررسی می کند که آیا اگر عمل سهل انگارانه خوانده نبود، باز هم آسیب رخ می داد؟ چنان چه پاسخ منفی باشد، مشخص می شود که عمل یا ترک فعل خوانده، سبب نزدیک خسارت است. (<https://legal-dictionary.thefreedictionary.com/But+for+test>)

امروزه همه سیستم های اروپایی در باب رابطه سببیت پذیرفته اند که رفتار موجب مسئولیت مدنی باید به گونه ای باشد که اگر چنین رفتاری واقع نمی شد خسارتی پدید نمی آمد. به عنوان نمونه ماده ۱۰۱:۳ از اصول اروپایی مسئولیت

1-Or "sine qua non" rule "but for"

مدنی مقرر میدارد: «یک فعالیت یا رفتار، سبب خسارت متضرر محسوب می شود اگر در حالت فقدان آن فعالیت، خسارتی وارد نمی شد» این مشی در اصول اروپایی مسئولیت مدنی با تجدیدنظر اصلاح سوم شرح جدید حقوق آمریکا هماهنگ شد. (قوچانی افشار؛ حسینی، ۱۳۹۳:۶)

اما با وجود چنین اتحاد نظری میان سیستم های حقوقی مختلف، در خصوص لزوم اثبات رابطه سببیت در فرض علم اجمالی به سبب، به طور قاطع نمی توان رابطه سببیت را احراز نمود؛ زیرا اساساً اجمالی که در سبب ایجاد شده است، ناشی از ابهام در رابطه سببیت می باشد. حال ممکن است این ایراد مطرح شود که در صورت علم اجمالی به سبب، به دلیل این که نمی توان علت واقعی را از میان اشخاص متعدد، تشخیص داد و نمی توان بر اساس حدس و گمان حکم به محکومیت هیچ کس صادر کرد و از سویی ارکان مسئولیت مدنی و از جمله رابطه سببیت نیز باید محرز باشد، بنابراین هیچ یک از اشخاص مورد تردید، مسئول نخواهند بود.

در حقوق انگلیس در صدور حکم به مسئولیت مدنی، در صورت اجمال سبب، تردیدی وجود ندارد. به دیگر بیان ناتوانی در اثبات رابطه سببیت در این فرض از موارد رد دعوا نمی باشد. در دعوی *Allen v. British Rail Eng'g Ltd*، قاضی بیان کرد که اگر کارگر بتواند ثابت کند که رفتار تقصیرآمیز و از روی بی احتیاطی کارفرما، نقش مهمی در معلولیت وی داشته است، مسئولیت کارفرما را پایه گذاری کرده است. هر چند دادگاه باید با توجه به مدارک پرونده، تمام تلاش خود را برای تفکیک میزان مسئولیت هریک از مقصران انجام دهد ولی نباید سخت گیرانه با موضوع برخورد کند و دعوای مدعی را به دلیل این که وی نمی تواند با دقت تمام ثابت کند که چه میزانی از زیان های وارده به وی ناشی از رفتار غیر محتاطانه خوانده است، رد کند. (منبع رای بالا: [https://swarb.co.uk/allen-and-others-\(v-british-rail-engineering-ltd-and-another-ca-23-feb-2001\)](https://swarb.co.uk/allen-and-others-(v-british-rail-engineering-ltd-and-another-ca-23-feb-2001)))

بر این اساس در این کشور یکی از موارد استثنای قاعده لزوم اثبات رابطه سببیت، اجمال سبب است. بر این اساس در مواردی که شخصی قربانی، اقدامات چند نفر شده باشد و از این طریق آسیب دیده باشد ولی با وجود این که همگی این افراد نقض تکلیف کرده اند و به صورت مادی ریسک ورود ضرر به قربانی را

افزایش داده اند، تعیین این که کدام شخص سبب ورود ضرر به وی شده است، غیرممکن است، بار اثبات رابطه سببیت از عهده خواهان برداشته می شود. (STEEL, 2012: 245)

در حقوق ایران نیز اگر چه رویه قضایی در این خصوص شکل نگرفته است، اما پاسخ به این پرسش با توجه به توضیحاتی که در سطور پیشین گذشت چندان دشوار نیست. در واقع علم اجمالی، ماهیتاً علم است و نه شک، بنابراین مسئول دانستن متعلق علم اجمالی، مبتنی بر حدس نمی باشد. از همین رو، در فقه بر منجز بودن علم اجمالی تاکید شده است.^۱ (آخوند خراسانی، بی تا: ص ۲۷۲) بر همین اساس در حقوق ما، اجمال سبب، موجب حکم به عدم مسئولیت نمی گردد. به خصوص آن که در قانون مجازات بر امکان محکومیت همه اسباب، در موارد اجمال تاکید شده است. ماده ۴۷۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در این خصوص مقرر می دارد که هرگاه کسی در اثر رفتار عده ای کشته یا مصدوم شود و جنایت مستند به برخی از رفتارها باشد و مرتکب هر رفتار مشخص نباشد، همه آن ها باید دیه نفس یا دیه صدمات را به طور تساوی بپردازند.

در تأیید این دیدگاه، همچنین می توان به قاعده لاضرر استناد کرد. طبق این قاعده که هر حکم ضرری را، حتی اگر ظاهراً شرعی باشد، غیر شرعی می داند و وجود حکم ضرری در شرع را نفی می کند (انصاری، ۱۴۱۹: ۴۵۷)، نمی توان عدم مسئولیت اشخاص موضوع علم اجمالی را پذیرفت. به عبارت دیگر با وجود محرز بودن ورود ضرر به خواهان و مسلم بودن تقصیر خوانده و علم اجمالی به سببیت وی، حکم به عدم جبران خسارت از خواهان به دلیل نبود علم تفصیلی به سببیت خوانده، حکمی ضرری است که شرعاً نفی شده است. شایان ذکر است که استدلال در رد دیدگاه عدم مسئولیت در موارد اجمال سبب، با توسل به قاعده لاضرر براساس نظر فقهای که مدلول قاعده لاضرر را نهی از ضرر زدن به دیگری تلقی کرده اند (شریعت اصفهانی، ۱۴۰۷، ص ۲۵)، واضح تر است. به این شرح است که لازمه نهی از اضرار، تدارک و جبران ضرر وارده است و نمی توان به صرف اجمال در سبب، زیان را جبران ناپذیر دانست.

۱- تجزیه علم اجمالی، به معنای موثر بودن آن در ممنوعیت مخالف قطعی با علم اجمالی و لزوم موافقت قطعی با آن می باشد. البته برخی اصولیون موافقت قطعی با آن را واجب نمی دانند.

۲. شیوه جبران خسارت با فرض علم اجمالی به سبب ضرر

با عنایت به مطالب پیشین، مسئولیت مدنی در فرض اجمال سبب، در هر دو نظام حقوقی مورد مطالعه، پذیرفته شده و غیر قابل تردید است. اما پرسش بعدی این است که با توجه به تعدد اطراف علم اجمالی، مسئولیت را چگونه باید میان ایشان تقسیم و توزیع کرد. آیا باید همه این اشخاص را به صورت تضامنی مسئول قلمداد کرد یا مسئولیت را بین ایشان تقسیم نمود؟ در صورت تقسیم مسئولیت، نحوه تقسیم به صورت تساوی است یا خیر؟ در حقوق هر دو کشور، نظریاتی در این زمینه ارائه شده است که در ادامه به بررسی آن‌ها می‌پردازیم.

۲-۱. نظریه مسئولیت تضامنی^۱

نظریه مسئولیت تضامنی عاملین زیان در مقابل زیان دیده بیشتر در میان حقوقدانان غربی طرفدار داشته است. برعکس فقهای شیعه بنا به دلایلی که مهمترین آن‌ها ایراد عدم امکان اشتغال ذمتین به دین واحد می‌باشد، کمتر به اصل تضامن، اندیشیده‌اند. به طور کلی در حقوق ما، اصل بر عدم تضامن است، مگر قانونگذار در مواردی صراحتاً به مسولیت تضامنی اشاره کرده باشد.

در بحث تعدد اسباب در نظام کامن لا مسئولیت تضامنی اسباب متعدد به عنوان یک قاعده، مورد پذیرش محاکم بریتانیا و کشورهای مشترک المنافع قرار گرفته است. اما در برخی کشورها همانند ایالات متحده آمریکا، رویه محاکم بر این است که مسئولیت عاملین زیان را نسبت به درجه تأثیر هر کدام در ایجاد زیان تقسیم نمایند. همچنین در بحث سبب مجمل، نظریه مسئولیت تضامنی کسانی که در یک فعالیت زبانبار مشارکت داشته‌اند و تقصیر یا فعل یکی از آنان سبب ورود ضرر شده است، بدون این که وارد کننده زیان شناخته شود، مورد پذیرش قرار گرفته است. (صفای، ۱۳۸۸: ۳۴)

بر همین اساس در حقوق انگلستان، در قانون غرامت^۲ مصوب ۲۰۰۶، مسئولیت تضامنی همه خواندگانی که علم اجمالی به سبب آن‌ها وجود دارد، در

1- joint and severally liability

2- Compensation Act 2006

مورد بیماری ناشی از آزبست، پذیرفته شده است. پیش از این حکم قانون گذار، در پرونده فیرچیلد^۱ در خصوص سبب مجمل در ابتلا به این بیماری، به مسئولیت تضامنی همه مسببین احتمالی، حکم گردید. این پرونده شامل سه ادعا بود که در هر یک از آن ها، یک کارگر توسط کارفرمایان پی در پی، در معرض گرد آزیست قرار گرفته بود. این کارگران یا فوت کردند یا به بیماری مزوتلیوما مبتلا شدند. اما به دلیل محدودیت های علمی، هیچ کدام از ایشان قادر نبود اثبات نماید که رفتار خطاکارانه کدام کارفرما سبب بروز این بیماری شده است. در نهایت مجلس اعیان همه خواندگان (کارفرمایان) را، به دلیل این که تمام ایشان به صورت مادی، خطر ابتلای کارگران به آن بیماری را افزایش داده بودند، به صورت تضامنی مسئول جبران خسارت دانست. (Fairchild v Glenhaven Funeral Services Ltd) [2003] 1 AC 32

به نظر می رسد در حقوق انگلیس، صدور حکم به مسئولیت تضامنی در موارد اجمال سبب را نمی توان به همه موارد اجمال سبب تعمیم داد. در واقع آن چه از رای فیرچیلد و ماده قانونی به دست می آید، مسئولیت تضامنی در مورد اجمال سبب در ابتلا به مزوتلیوما می باشد و برخی حقوق دانان این کشور معتقدند که رویکرد مطرح شده در این پرونده امری استثنایی و غیر قابل تعمیم است. (Morgan, 2003: 277) بنابراین برخلاف تصور رایج شده در برخی مکاتبات داخلی، در حقوق انگلیس اصل بر مسئولیت تضامنی در سبب مجمل، نمی باشد. (روانان، ۱۳۹۹)

در قوانین ایران، حکمی در باره مسئولیت تضامنی در این خصوص وجود ندارد. با این حال به نظر می رسد آن دسته از حقوق دانانی که در بحث تعدد اسباب همه اشخاص را داری مسئولیت تضامنی می دانند (امیری قائم مقامی، ۱۳۷۷)، در این فرض نیز، همه اشخاصی را که اجمالاً علم به سببیت ایشان داریم، دارای مسئولیت تضامنی بپندارند. البته برخی قایلین به مسئولیت تضامنی در تعدد اسباب، در باب سبب مجمل بر این عقیده اند که با توجه به این که تحمیل مسئولیت به یک نفر از طریق قرعه ترجیح بلا مرجح است و مسئولیت تضامنی برخلاف اصل است و فقط در شرایط خاص و در صورتی که حادثه زیانبار به نحو مستقل به عوامل متعدد

1- Fairchild

قابل انتساب باشد، می‌تواند جاری شود، بنابراین بهترین راه حل، توزیع مسئولیت به نحو تساوی است (عباسلو، ۱۳۹۰، ص ۱۰۰) بعضی حقوق دانان نیز پس از بررسی موضوع سبب مجمل بیان کرده‌اند که گاه تضمین حق مورد حمایت، ایجاد می‌کند که اشخاص متعددی که سبب حادثه نبوده‌اند مسئول جبران خسارت ناشی از آن شوند؛ چنان که در مورد تلف مال مغضوب همه غاصبان مسئول خسارت مالک می‌شوند، هر چند که هیچ دخالتی در این اتلاف نداشته باشند. (کاتوزیان، ۱۳۹۲: ۴۵۸)

به گمان نگارنده هر چند که نظریه مسئولیت تضامنی در فرض اجمال سبب برای شخص زیان دیده جبران خسارت را آسان می‌نماید و از سرگردانی وی جلوگیری می‌کند، اما عادلانه نیست؛ زیرا چه بسا فردی که خواهان برای جبران خسارت به وی مراجعه می‌کند، در واقع و نفس الامر هیچ نقشی در ورود ضرر به وی نداشته و دادگاه صرفاً در راستای جبران خسارت خواهان، او را مسئول قلمداد کرده باشد. امروزه در رویه قضایی و دکترین فرانسه نیز این دیدگاه، پایگاهی ندارد. مثلاً لئون و هانری مازو، استادان به نام فرانسوی، در مقاله‌ای که به سال ۱۹۵۰ در فسنامه حقوق مدنی نوشتند، ضمن نقد نظریه مسئولیت تضامنی اعلام نمودند که تنبیه جمعی (مسئولیت تضامنی) نوعی خودکامگی است. (صفایی، ۱۳۸۸: ۳۴)

۲-۲. نظریه پرداخت به تساوی

براساس این نظریه، مسئولیت باید به تساوی بین افراد مسئول تقسیم شود و هر یک باید سهم مساوی در جبران خسارت داشته باشند. زیرا فرض این است که چند نفر در ایجاد یک حادثه و ایراد خسارت نقش داشته‌اند و ضرر ناشی از عمل مشترک آنان می‌باشد و نباید این مسئولیت مشترک را تجزیه کرد. وانگهی نظریه مزبور از این جهت که ضمان دو طرف را به طور قاطع تعیین می‌کند و به نظر قاضی واگذار نمی‌کند و مسئولیت مدنی را مجازات تقصیر نمی‌داند با فقه اسلامی نیز سازگار می‌باشد و بر نظریه‌های دیگر برتری دارد. در علم اجمالی نیز قاعده کلی تقسیم به تساوی مسئولیت بین اطراف علم اجمالی است و قواعد دیگر جنبه استثنایی دارد (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۵: ۲۲۹)

بر اساس این نظریه، میزان مسئولیت سبب‌های متعدد، تأثیری در تقسیم مسئولیت ایشان ندارد و در هر حال حکم به تساوی مسئولیت اسباب متعدد صادر می‌گردد. از نظر فقهی نیز، هر گاه دو یا چند نفر اقدام مشترکی نمایند به عنوان مثال چند نفر سنگی قرار دهند ضمان بر عهده همه است و ظاهر این است که مسئولیت آنها بالسویه است هر چند، هر یک از نظر قدرت با یکدیگر اختلاف داشته باشند. (موسوی خمینی، بی تا، ۵۶۹). از جمله این موارد برخورد دو شخص است که اگر در اثر آن هر دو نفر فوت نمایند، هر یک مسئول نصف دیه دیگری است و باقی مانده دیه (نصف آن) ساقط می‌گردد. (الشهید الاول، ۱۳۹۳: ۲۵۶) علت این حکم این است که مرگ ناشی از دو سبب است؛ یکی فعل خود شخص فوت شده و دیگری فعل طرف مقابل که دیه ناشی از فعل خود شخص یعنی نصف دیه ساقط می‌گردد. (الشهید الثانی، بی تا: ۱۱۶) همچنین اگر دو راکب اسب با یکدیگر برخورد کنند و هر دو اسب بمیرند یا معیوب شوند، هر راکب مسئول پرداخت نصف قیمت یا ارزش اسب متعلق به طرف مقابل است.^۱ (الموسوی الخوئی، بی تا: ۱۰۰)

این نظریه در ماده ۳۶۵ قانون مجازات اسلامی سابق (مصوب ۱۳۷۵) که مقرر می‌داشت: «هرگاه چند نفر باهم سبب آسیب یا خسارتی شوند به طور تساوی عهده دار خسارت خواهند بود»، پذیرفته شده بود. در رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور به شماره ۷۱۷ مورخ ۱۳۹۰/۲/۶ نیز این نظریه، در مورد تصادف وسایل نقلیه موتوری، تأیید گردید. این رأی مقرر می‌دارد: «بر حسب مستفاد از ماده ۳۳۷ قانون مجازات اسلامی هرگاه برخورد دو یا چند وسیله نقلیه منتهی به قتل سرنشین یا سرنشینان آن‌ها گردد، مسئولیت هر یک از رانندگان در صورت تقصیر - به هر میزان که باشد - به نحو تساوی خواهد بود ...».

پس از اصلاح قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۹۲، همچنان این اصل مورد توجه قانون‌گذار قرار گرفته است. ماده ۵۳۳ این قانون بیان می‌کند: «هرگاه دو یا چند نفر به نحو شرکت، سبب وقوع جنایت یا خسارتی بر دیگری گردند به طوری که آن جنایت یا خسارت به هر دو یا همگی مستند باشد به طور مساوی ضامن می‌باشند.» در رأی وحدت رویه شماره ۷۹۹ - ۱۵/۷/۱۳۹۹ هیأت عمومی

۱- لو تصادم فرسان فعات الفرسان أو تعيبا فعلى كل واحد منهما نصف قيمة فرس الآخر أو نصف الأرش

دیوان عالی کشور نیز بر بقای این اصل در حقوق ایران، پس از اصلاح قانون مجازات اسلامی، صحه نهاد.^۱

این آرای وحدت رویه و مقررات مذکور، اصل تساوی را در حقوق ما تثبیت نموده اند و از همین رو باید در موارد اجمال سبب نیز به این اصل مراجعه کرد. ماده ۴۷۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در این خصوص مقرر می‌دارد که هرگاه در اثر رفتاری، عده ای کشته یا مصدوم شود و جنایت مستند به برخی از رفتارها باشد و مرتکب هر رفتار مشخص نباشد، همه آن‌ها باید دیه نفس یا دیه صدمات را به طور تساوی بپردازند. اگر چه موضوع این ماده، علم اجمالی به سبب جنایت در مورد پرداخت دیه است، اما مسئولیت نسبت به پرداخت دیه، ویژگی خاصی نسبت به دیگر مسئولیت‌های مرتبط به پرداخت خسارت ندارد که قاعده مندرج در آن را مختص دیه جنایت بدانیم بلکه در واقع این ماده بیان گر یکی از مصداق‌های اجمال سبب است. همچنین با عنایت به نظرات فقهی بیان شده و نیز استقرار اصل تساوی در تعدد اسباب، تعمیم این اصل به موارد اجمال سبب، کاملاً منطقی به نظر می‌رسد.

بنابراین در حقوق ایران به دلیل سهولت رسیدگی دادگاه و اعمال عدالت نوعی، نظریه تقسیم مساوی مسئولیت از قدیم طرفداران زیادی داشته و سابقه آن بیش از نظریه‌های دیگر است و نظر مشهور فقها نیز بر تقسیم به تساوی می‌باشد و در صورتی که قاضی نتواند بر مبنای عقلی و منطقی و معیارهای تعیین شده، تقسیم مسئولیت نماید، باید حکم به تساوی مسئولیت بدهد. (صالحی، ۱۳۹۶، ۱۴۰) در حقوق انگلیس، چنین نظریه ای در باب سبب مجمل، یافت نشد.

۱- «در موارد شرکت در سرقت، مسئولیت هر یک از سارقان در رد مال به میزان مالی است که تحصیل کرده است و دادگاه در اجرای ماده ۶۶۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ و ماده ۲۱۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و ماده ۱۹ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ حدود مسئولیت هر یک از سارقان را بر همین اساس مشخص می‌کند و اگر میزان مال تحصیل شده توسط هر یک از سارقان معلوم نباشد، با توجه به اصل تساوی مسئولیت که از جمله در مواد ۵۲۶، ۴۵۳ و ۵۳۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مورد پذیرش قانونگذار قرار گرفته است، مسئولیت سارقان در رد مال مسروقه به طور مساوی است.»

۲-۳. اصل جبران نسبی خسارت^۱

بر اساس این اصل، خواننده بخشی از زیان‌های وارده به خواهان را که تخمین زده می‌شود، برعهده وی می‌باشد و در اثر نقض تکلیف از سوی او، ایجاد شده را جبران می‌کند. این اصل که در پرونده‌های Holtby و Allen ایجاد شد، انقلابی در روش سنتی باینری در حقوق مسئولیت مدنی انگلیس ایجاد کرد. دیدگاه سنتی بیانگر این موضوع بود که خواهان مطالبه خسارت، یا مستحق جبران کل خسارت وارده می‌باشد یا به کلی از دریافت خسارت محروم می‌شود.^۲ در واقع در دو پرونده مذکور، که به جنبه مهمی از مسئله سبب نامشخص پرداخته است روش سنتی با اصل جبران خسارت متناسب، جایگزین گردید. (Porat and Stein, 2004: 667)

در پرونده Allen v. British Rail Eng'g Ltd خواهان‌ها به علت کار با ابزارهای کوبه‌ای در کارگاه خوانندگان، در طول سال‌های متمادی تا ۱۹۸۷، از سندرم لرزش دست رنج می‌بردند. اما پس از ترک آن کارگاه، در دیگر مشاغل که مستلزم استفاده از ابزارهای ارتعاشی بود، به کار خود ادامه دادند که به بروز خسارت بیشتر انجامید. خواهان‌ها دعوی مسئولیت مدنی ناشی از بی احتیاطی، علیه خوانندگان مطرح کردند که در نتیجه قاضی بیان کرد که با توجه به علم خوانندگان به بیماری خواهان‌ها در سال ۱۹۷۳، باید بررسی‌های لازم برای تعیین میزان بروز بیماری سندروم را انجام می‌دادند و خواهان‌ها را از خطر آگاه می‌کردند. وی همچنین حکم کرد که تا سال ۱۹۷۶ خوانندگان باید کار جایگزین کم‌خطرتری را برای خواهان ردیف اول پیدا می‌کردند یا مدت زمانی را که وی در معرض لرزش بود را کاهش می‌دادند. او غرامت متناسب با کل آسیب دیدگی مدعی اول را تعیین نمود، اما مبلغی را بابت خسارات دوره قبل از ۱۹۷۶ و مبلغی را نیز بابت خسارات دوره بعد از ۱۹۸۷ کسر نمود. همچنین با در نظر گرفتن خساراتی که قبلاً متحمل شده بود و این واقعیت که، طبق شواهد، اگر خوانندگان به وظیفه خود عمل می‌کردند، خسارت بدنی خواهان به نصف کاهش می‌یافت و نه آن که اصلاً به وجود نمی‌آمد، وی را مستحق دریافت بخشی از خسارات دانست. (Allen v. British Rail Eng'g Ltd., 2001 ICR PIQR942, 952 (A.C))

1- proportionate recovery principle

۲- این دیدگاه سنتی، قاعده همه یا هیچ نام دارد.

ملاحظه می‌گردد که در این پرونده، علی‌رغم نداشتن علم تفصیلی به سبب، دادگاه خوانده را مسئول پرداخت بخشی از خسارت و نه تمام آن دانست. علاوه بر این دادگاه مسئولیت پرداخت خسارت را به صورت تساوی میان اشخاصی که علم اجمالی به سببیت آن‌ها وجود دارد، تقسیم نمود بلکه به صورت تخمینی میزان مسئولیت هر یک را مشخص نمود. دادگاه با ارایه مقدماتی، استدلال کرد که همواره نمی‌توان به مسئولیت کامل خوانده رای داد. خلاصه مقدمات مذکور به این شرح است:

الف- اگر کارگر بتواند ثابت کند که رفتار تقصیرآمیز و از روی بی‌احتیاطی کارفرما، نقش مهمی در معلولیت وی داشته، مسئولیت کارفرما را پایه‌گذاری کرده است.

ب- مواردی ممکن است وجود داشته باشد که اوضاع و احوال به گونه‌ای است که می‌توان هر یک از دو مقصر را مسبب کل خسارت دانست. به عنوان مثال در جایی که یک مسافر در اثر تصادف شاخ به شاخ دو اتومبیل که هر دو آن‌ها مرتکب بی‌احتیاطی شده‌اند، کشته می‌شود، هر یک از آن‌ها سبب حادثه است، در حالی که آن مسافر در یکی از آن خودروها نشسته است.

پ- در اصل، میزان مسئولیت کارفرما به میزان سهمی که رفتار بی‌احتیاطانه وی در بروز ناتوانی کارمند ایفا کرده است، محدود می‌گردد.

ت- هر چند دادگاه باید با توجه به مدارک پرونده، تمام تلاش خود را برای تفکیک میزان مسئولیت هر یک از مقصران انجام دهد ولی نباید سخت‌گیرانه با موضوع برخورد کند و دعوای مدعی را به دلیل این که وی نمی‌تواند با دقت تمام ثابت کند که چه میزانی از زیان‌های وارده به وی ناشی از رفتار بی‌احتیاطانه خوانده است، رد کند.

ث- دلایل لازم برای قادر ساختن قاضی تا تفکیکی عادلانه صورت دهد، باید متناسب با مبلغ و نیز ماهیت قطعیت ناپذیر موضوع پرداخت خسارت برای صدمات جانی باشد.

(<https://swarb.co.uk/allen-and-others-v-british-rail-engineering-ltd-and-another-ca-23-feb-2001>)

در حقوق ایران، برخی حقوق دانان قایل به جبران نسبی خسارت در فرض تعدد اسباب می باشند و معتقدند که تقسیم مسئولیت باید به نسبت سهمی که هریک از مسئولان متعدد به عهده داشته اند. (صفایی، ۱۳۵۱، ص ۵۶۸) اما پس از تصویب ماده ۳۶۵ قانون مجازات اسلامی سابق (مصوب ۱۳۷۵) که مقرر می داشت: «هرگاه چند نفر باهم سبب آسیب یا خسارتی شوند به طور تساوی عهده دار خسارت خواهند بود»، ظاهراً قانون گذار این نظریه را مردود دانست. با این حال برخی حقوق دانان همچنان بر این باور بودند که مقررات ماده مذکور ناظر به مواردی است که تاثیر هر یک از اسباب به صورت مساوی باشد. (قاسم زاده، ۱۳۷۸، ص ۳۷۰)

اما در مبحث اجمال سبب و نیز مسأله تعدد اسباب در فرضی که میزان تقصیر یا تاثیر هر یک از اسباب در ورود ضرر مشخص نیست، ظاهراً در حقوق ایران، هیچکس قایل به مسئولیت نسبی نمی باشد. زیرا در این دو فرض یا اساساً تنها یکی از اسباب که نامعین است علت ورود ضرر بوده است یا همه سبب ها در ایجاد خسارت نقش داشته اند، ولی سهم ایشان در ورود ضرر نامشخص است که در این فروض امکان تقسیم نسبی مسئولیت جز بر مبنای حدس و گمان وجود ندارد و به عبارت دیگر در این موارد نمی توان معیاری برای توزیع و تقسیم نسبی مسئولیت ارایه کرد. بنابراین چاره ای جز تقسیم مسئولیت به صورت مساوی باقی نمی ماند. از همین رو اصل مسئولیت نسبی در فرض اجمال سبب، در حقوق ایران قابل پذیرش نمی باشد.

۲-۴. قاعده قرعه

قاعده قرعه در هر مورد که شبهه موضوعی همراه با علم اجمالی وجود داشته باشد، یعنی حکم مسئله روشن ولی موضوع آن مردد بوده و دلیلی بر ترجیح یکی بر دیگری در میان نباشد، به کار گرفته می شود. (مهدی مهریزی؛ درایتی، ۱۴۲۴: ۵۹ به بعد). درباره مجرای قاعده قرعه نیز گفته اند قرعه در دو جا اعمال می شود: اول- جایی که حقی، فی الواقع معین بوده ولی بر ما به دلیل عارض، مشتبه شده است و دوم- جایی که امر بین دو نفر یا بیشتر مردد باشد و در واقع نیز معین بوده است. در این صورت برای تعیین آن به قرعه استناد می کنیم. (نراقی، ۱۴۰۸ق، ۶۵۸). قرعه در لغت به معنی سهم و نصیب و در اصطلاح، تدبیری است که در هنگام

شبهه و ابهام برای تعیین مطلوب به کار می رود.^۱ (مشکینی، ۱۴۱۶ ه.ق، ذیل اصطلاح قرعه)

این قاعده در ماده ۳۱۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵، در یکی از مصادیق اجمال سبب، به عنوان راه حل تعیین مسئول جبران ضرر، شناخته شد. این ماده مقرر می داشت: «اگر دو نفر متهم به قتل باشند و هر کدام ادعا کند که دیگری کشته است و علم اجمالی بر وقوع قتل توسط یکی از آن دو نفر باشد و حجت شرعی بر قاتل بودن یکی اقامه نشود و نوبت به دیه برسد با قید قرعه دیه از یکی از آن دو نفر گرفته می شود.» هر چند در این ماده، عبارت دو نفر قید شده ولی عدد دومی موضوعیت نداشت و از باب ذکر حداقل بود. (نظریه ۵۷۷۰/۷-۱۴/۶/۱۳۸۱ اداره حقوقی قوه قضاییه)

شاید از جمله مزایایی که می توان برای قرعه در نظر گرفت، این است که قرعه از قواعد مهم فقهی و مستند به آیات و روایات و اجماع و بنای عقلاست و قاعده‌ای عام برای حل مشکل در شبهات موضوعیه است. برای حل مسئله سبب مجمل نیز قابل اعمال است و با حقوق اسلامی هم سازگار، هر چند در کتب فقهی به اعمال قاعده قرعه در بحث سبب مجمل تصریح نشده. در واقع با اعمال قاعده قرعه شخص مسئول حادثه را راحت تر می توان شناسایی کرد و مشهور نیز گفته اند قرعه برای هر امر مشکل است و هر جا به مشکلی برخوردیم قرعه می تواند کمک کند.

با این حال در نقد این نظر می توان گفت که در مقایسه با دیگر نظریات مربوط به توزیع مسئولیت مدنی یعنی تضامن، تساوی و تقسیم، منجر به تحمیل کامل مسئولیت به یک شخص می شود که ممکن است هیچ گونه دخالتی در فعل حادثه زیان بار نداشته باشد. این امر موجب می گردد که احتمال رخ دادن ناعدالتی، افزایش یابد. به عقیده منتقدین، تحمیل مسئولیت به یکی از اطراف علم اجمالی - در بحث سبب مجمل - از طریق قرعه که ترجیح بلامرّح تلقی می شود و استثنائاً قانونگذار آن را در ماده مذکور پذیرفته است که قابل تعمیم به موارد مشابه

۱- «القرعة فی اللغة السهم و النصب، و فی عرف الفقهاء و العرف العام الاحتمال فی تعیین المطلوب لدی الشبهه و الإبهام بكتابة و نحوها.»

نمی باشد.^۱ به همین دلیل هم است که قانونگذار در قانون مجازات اسلامی جدید (مصوب ۱۳۹۲) از این قاعده دست کشیده و در فرض سبب مجمل راه حل تساوی را انتخاب نموده است. (عباسلو، ۱۳۹۰: ۱۰۰)

شایان ذکر است که در یکی از آرای دیوان عالی کشور، استثنایی بودن این قاعده پذیرفته نشده است؛ زیرا آن را به مواردی غیر از قتل تسری و تعمیم داده است که این تصمیم با عنایت به مطالب پیش گفته قابل انتقاد می باشد. به هر روی، با تصویب قانون مجازات اسلامی جدید، مقررات ماده مذکور حذف گردید که این اقدام قانون گذار به معنای، منع به کارگیری این قاعده در موارد اجمال سبب می باشد. در حقوق انگلیس نیز با بررسی های صورت گرفته در این پژوهش، مصداقی برای اعمال چنین قاعده ای در موارد اجمال سبب یافت نشد.



۱- اداره حقوقی قوه قضاییه هم طی نظریه ۳۶۳۱۷/۳ - ۱۰/۸/۱۳۷۶ ضمن نقد این دیدگاه قانون گذار تعمیم آن به سایر موارد علم اجمالی به سبب را دور از عدالت و منطق قضایی دانسته است: قرعه به کیفیت مندرج در ماده ۳۱۵ ق.م.ا. نسبت به غیر مورد قتل قابل تسری نمی باشد. به عبارت دیگر تحمیل مجازات تعزیری بر کسی که احتمالاً کوچکترین سهل انگاری و قصوری نداشته، دور از عدالت و منطق قضایی است و مقام قضایی مربوطه بایستی با بکارگیری کلیه امکانات و بررسی همه جانبه فرد سهل انگار را بیابد و مستنداً به دلایل به دست آمده، نسبت به صدور حکم و تعیین مجازات برای وی اقدام نماید.

۲- دادنامه صادره از شعبه بیست و چهار دیوانعالی کشور: «... ولیکن با توجه به اظهارات شاکي و بعضی از شهود در خصوص تخریب شیشه منزل شاکي که یک سنگ بزرگ به شیشه اصابت کرده و موجب شکسته شدن آن گردیده متهم یک نفر بیشتر نمی تواند باشد و در صورت عدم اقرار متهمین دادگاه باید قاعده علم اجمالی در شبهه محصوره اجراء نماید یعنی باید بین متهمین قرعه کشی کند کما اینکه در ماده ۳۱۵ ق.م.ا. اسلامی مقرر گردیده است لذا در این مورد درخواست آقای الفدخ بااستناد بند ۶ ماده ۲۷۲ ق.ا.د.ک پذیرفته می شود پرونده جهت رسیدگی به دادگاه هم عرض دادگاه صادر کننده رأی قطعی ارجاع می گردد و درخواست وی در سایر موارد بدلیل عدم مطابقت با بندهای ماده ۲۷۲ ق.ا.د.ک مردود اعلام می شود.»

برآمد

همواره برای ایجاد مسئولیت مدنی سه رکن لازم است. در صورت تجمیع این سه رکن، می‌توان ضمان ناشی از آن را بر شخصی که عامل پدیدآورنده زیان است بار کرد. این امر نتیجه طبیعی سبب بودن برای یک حادثه ضرر آفرین است. اما همواره این سه رکن به سادگی گرد هم جمع نمی‌شوند؛ گاه یکی از این حلقه‌های سه‌گانه با اجمال روبرو است. مسئولیت مدنی در فرضی که علم اجمالی به سبب ضرر وجود دارد حالتی است که خط اتصال رابطه میان ضرر و فعل زیانبار کمرنگ و بعضاً گم است. در این حالت انتساب مسئولیت به شخصی که می‌تواند مسئول قلمداد گردد دشوار می‌شود زیرا رابطه سببیت غیر قابل اثبات است. ولی به شرحی که گذشت در هر دو نظام حقوقی مورد مطالعه، جبران خسارت در فرض علم اجمالی به سبب، توسط اطراف علم اجمالی، ضروری و غیر قابل تردید است.

اما باید توجه داشت که در این فرض، ارکان مسئولیت مدنی به این شرح است: نخست- احراز تقصیر همه خوانندگان؛ دوم- مسلم بودن ورود ضرر به خواهان و سوم- وجود علم اجمالی به مسئولیت یکی از خوانندگان. بنابراین در این فرض، خواهان تکلیفی به اثبات رابطه سبب میان فعل هر یک از خوانندگان با ضرر وارده ندارد. امری که به نظر می‌رسد در رویه قضایی ما مورد توجه قرار نگرفته است. عنایت به ارکان مذکور در رویه قضایی، موجب تغییرات مهمی در حقوق مسئولیت مدنی به خصوص در رویارویی با حوزه‌های جدید مسئولیت مدنی مانند مسئولیت تولیدکنندگان گردد و راه را برای احقاق حقوق زیان دیدگان و جلوگیری از فرار مقصران از جبران خسارت، هموار سازد.

در خصوص نحوه توزیع مسئولیت میان اطراف علم اجمالی، در حقوق انگلیس دو نظریه مطرح است: نخست- مسئولیت تضامنی همه خوانندگان (اطراف علم اجمالی) و دوم- مسئولیت نسبی. اما باید توجه داشت که برابر برخی دیدگاه‌ها، در این کشور، مسئولیت تضامنی در سبب مجمل، مطابق قاعده محسوب نمی‌شود بلکه امری استثنایی است و برعکس مسئولیت نسبی، قاعده می‌باشد. در حقوق ایران اما، قاعده تساوی مسئولیت اطراف علم اجمالی است و استثنایی بودن مسئولیت تضامنی و بدون ضابطه بودن مسئولیت نسبی در این فرض، از موانع پذیرش دیگر

نظریه های ارایه شده در این زمینه می باشد. حکم به تساوی، نه تنها با رویکردهای فقهی منطبق است بلکه به دلالت برخی از مواد قانون مجازات اسلامی که به مصادیقی از سبب مجمل اشاره کرده است، تساوی در مسئولیت، در قوانین ما نیز پذیرفته شده است. (مواد ۴۷۷، ۴۷۸، ۴۷۹)

در مقام مقایسه به نظر می رسد رویکرد قانون گذار ایران در توزیع مسئولیت به تساوی، عادلانه تر می باشد؛ زیرا مسئولیت تضامنی، اگر چه مطلوب زیان دیده است، اما احتمال تحمیل جبران خسارت بر عهده فرد بی تقصیر را افزایش می دهد. همچنین مسئولیت نسبی اگر چه در تعدد اسباب عادلانه تر است، ولی در موارد اجمال سبب، بدون ضابطه و بر مبنای حدس خواهد بود.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- قرآن کریم
- آخوند خراسانی، محمد کاظم، بی تا، *کفایه الاصول*، ج ۱، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث
- امیری قائم مقامی، عبدالمجید، ۱۳۷۷، *کلیات حقوق تعهدات - وقایع حقوقی*، تهران، نشر میزان، جلد اول، چاپ اول.
- انصاری، شیخ مرتضی، ۱۴۱۹، *فرائد الاصول*، قم، مجمع الفکر الإسلامی، جلد دوم
- روانان، علی، ۱۳۹۹، *رابطه سببیت سبب مجمل در حقوق ایران*، *انگلستان و هندوستان*، دوفصلنامه مطالعات شبه قاره دانشگاه سیستان و بلوچستان، ش ۳۸ بهار و تابستان ۱۳۹۹، صص ۶۶ - ۴۹
- شریعت اصفهانی، فتح الله بن محمد، ۱۴۰۷، *قاعده لاضرر و لاضرار*، بیروت، دارالاضواء، چاپ اول.
- الشهید الاول، ۱۳۹۳، *اللمعه الدمشقیه*، ج ۲، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی مرکز احیاء میراث اسلامی
- الشهید الثانی، بی تا، *الروضه البهیة فی شرح اللمعه الدمشقیه*، منشورات جامعه النجف الدینیة
- صالحی، سعیده، ۱۳۹۶، «*عیار تقسیم مسئولیت مدنی در حقوق ایران و انگلستان*»، رساله دکتری در رشته حقوق خصوصی، تهران، دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات.
- الصدر، السید محمد باقر، ۱۴۲۳ق، *دروس فی علم الأصول*، ج ۳، چ ۱، قم: مجمع الفکر
- صفایی، حسین، ۱۳۵۱، *دوره مقدماتی حقوق مدنی، تعهدات و قراردادها*، تهران، موسسه عالی حسابداری، جلد دوم.
- صفایی، حسین، ۱۳۸۸، *مسئولیت مدنی در فرض علم اجمالی به سبب ضرر (مطالعه تطبیقی)*، قم، پژوهش حقوقی، شماره ۲

- صفایی، حسین رحیمی، حبیب الله، ۱۳۹۵، *مسئولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد)*، تهران، انتشارات سمت.
- عباسلو، بختیار، ۱۳۹۰، *مسئولیت مدنی با نگرش حقوق تطبیقی*، تهران: انتشارات میزان
- قاسم زاده، سید مرتضی، ۱۳۷۸، *مبانی مسئولیت مدنی*، چ ۱، تهران: نشر دادگستر
- قوچانی افشار، زهره، حسینی، سید محمدباقر، ۱۳۹۳، «مطالعه تطبیقی *مسئولیت مدنی سبب مجمل*»، پژوهش های حقوق تطبیقی، دوره ۱۸، شماره ۱-۲۲.
- کاتوزیان، ناصر، ۱۳۹۲، *الزام های خارج از قرارداد مسئولیت مدنی*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، جلد اول، چاپ دوازدهم.
- کاتوزیان، ناصر، ۱۳۸۸، *تحول مفهوم تقصیر در حقوق مسئولیت مدنی*، فصل نامه حقوق مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، تهران، دوره ۳۹.
- الموسوی الخوئی، السید ابوالقاسم، بی تا، *مبانی تکمله المنهاج*، ج ۱، النجف الاشرف: مطبه الاداب
- نراقی، احمد، ۱۴۰۸ق، *عوائد الایام*، قم، مکتب بصیرتی.
- المشکینی، علی، ۱۳۷۱، *اصطلاحات الاصول*، ج ۱، چ ۵، قم: نشر الهادی
- موسوی خمینی، روح الله، بی تا، *تحریر الوسیله*، قم: انتشارات قدس محمدی، جز ثانی.
- Bar, Christian Von, 1998, *The Comme European Law of Torts*, Clarendon Press, Oxford ,first published, Volume one.
 - Clerk and Lindsell Clerk and Lindsell on Torts,1995, “*Seventeenth edition*”, Sweet and Maxwell, London.
 - Cooke, John, 2010, *Law of Tort*, Published by PEARSON, ninth revised edn., London, Longman
 - Geistfeld, Mark A, *THE DOCTRINAL UNITY OF ALTERNATIVE LIABILITY AND MARKET-SHARE LIABILITY*, University of Pennsylvania law review, Vol. 155.

- Harpwood. v. 2009. *Moder tort law*.london new york:Routledge.cavendish
- Schoenfeld, Donald A, 1974 *Industry-Wide Joint Liability*, Marquette Law Review, Volume 57 Issue 4.
- Mills, William, 2002, *Contributory Negligence, Trial Briefs*:p.29, www.ncaj.com /file – depot; Libby, Michael, 2007, *Contributory Negligence*, Dolden Wallacefolick. www. Dolden.Com/content
- Morgan, Jonathan, 2003, “*Lost Causes in the House of Lords: Fairchild v Glenhaven Funeral Services*”, Modern Law Review, Volume66, Issue2, March 2003, P 277-284
- Porat, Ariel, and Alex Stein, 2004, “*Indeterminate Causation and Apportionment of Damages: An Essay on Holtby, Allen, and Fairchild*”, Oxford Journal of Legal Studies, Vol. 23, No. 4
- STEEL, SANDY, 2012, “*CAUSATION IN ENGLISH TORT LAW: STILL WRONG AFTER ALL THESE YEARS*”, University of Queensland Law Journal 243 (2012)
- <https://legal-dictionary.thefreedictionary.com/But+for+test>
- <https://swarb.co.uk/allen-and-others-v-british-rail-engineering-ltd-and-another-ca-23-feb-2001/>